

ذره بین

زورگیری از ۱۵ساله ها در پارک های شرق پایتخت

شهروند | زورگیری از ۱۵ساله ها در پارک های شرق پایتخت میان نوجوان ۱۵ساله پارک های شرق پایتخت انتخابی کردند.

ششم دی ماه بود که مردی به کلاتری ۱۲۶ تهرانپارس مراجعه کرد و به ماموران اعلام کرد که پسرش توسط ۳ سرنشین یک موتورسیکلت طرح هوندا ۱۲۵ مشکی رنگ و در داخل پارک، مورد زورگیری قرار گرفته است. باتشکیل پرونده مقدمانی با موضوع «زورگیری با سلاح سرد» و به دستور بازپرس شعبه چهارم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران، پرونده جهت رسیدگی در اختیار پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت. شاکتی پرونده به همراه پسر ۱۳ساله اش در پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ حاضر شد؛ پسر مالباخته در خصوص نحوه زورگیری گوشی تلفن همراهش به کارآگاهان گفت: «من به همراه دونفر از دوستان در داخل پارک نشسته بودیم که ناگهان سه پسر ۲۰ساله به ما نزدیک شدند؛ ابتدا ما آدرس سوال کردند اما ناگهان با تهدید چاقو به سمت هر سه نفر ما حمله ور شده و هر سه نفر ما را کتک زدند؛ پس از آن شروع به واریس لباس های هر سه نفرمان کردند و گوشی تلفن همراهم را از جیب درآورند؛ سپس سوار یک موتورسیکلت طرح هوندا ۱۲۵ مشکی شده و از محل متواری شدند» همزمان با آغاز رسیدگی به پرونده، شکایت های مشابه دیگری به پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ ارجاع شد که در تمامی آنها سرنشینان جوان یک دستگاه موتورسیکلت طرح هوندا ۱۲۵ مشکی اقدام به زورگیری گوشی تلفن همراه آنها کرده بودند.

شکایت های مشابه

پسر ۱۴ساله ای پس از حضور در پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ در اظهاراتش به کارآگاهان گفت: «ساعت ۱۹ ششم دی ماه به همراه دوستانم در حال بازی کردن در محدوده اتوبان شهید باقری - نبش خیابان ۲۱۰ بودیم که سرنشینان یک موتورسیکلت هوندا ۱۲۵ مشکی به ما نزدیک شده و با تهدید و ضرب و شتم، گوشی تلفن همراهم را از جیبم درآورده و متواری شدند». نوجوان دیگری نیز در اظهارات مشابه عنوان کرد که در میدان ۴۷ منطقه نارمک به همین شیوه و شگرد و توسط سرنشینان یک موتورسیکلت هوندا ۱۲۵ مشکی مورد زورگیری قرار گرفته است.

دستگیری ۳ متهم

با توجه به وقوع سرقت های مشابه توسط سرنشینان یک موتورسیکلت در شرق تهران، تیم های نامحسوس ویژه در پایگاه چهارم پلیس آگاهی جهت شناسایی و دستگیری متهمان تشکیل شد.

۱۸ بهمن ماه بود که کارآگاهان پایگاه چهارم پلیس آگاهی در حین گشت زنی نامحسوس در محدوده تهرانپارس - خیابان ۲۱۲ شرقی به دو سرنشین یک موتورسیکلت طرح هوندا ۱۲۵ مشکی مشکوک، آنها را متوقف و در بازرسی از آنها موفق به کشف چند چاقو شدند.

همزمان با دستگیری دو متهم به نام های «علی» (۲۰ساله) و «علی» (۱۹ساله)، تعدادی از مالباختگان جهت شناسایی متهمان به پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ دعوت شدند؛ با شناسایی دقیق متهمان، هر دو متهم بزورگیری های سرپالی اعتراف و سرکرده گروه به نام «همیرضا» (۱۹ساله) را معرفی کردند.

با شناسایی محل تردد سرکرده گروه در خیابان ۱۹۶ شرقی، «همیرضا» نیز دستگیر و به پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ منتقل شد و پس از مواجهه حضوری باطعمه هایش، به زورگیری از نوجوانان ۱۶- ۱۵ساله اعتراف کرد. با اعتراف متهمان به سرقت و زورگیری به شیوه مشابه، قرار قانونی از سوی مقام محترم قضائی صادر و متهمان جهت انجام تحقیقات و شناسایی سایر جرایم، ارتکابی در اختیار پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفتند؛ به همین خاطر از کلیه مالباختگانی که به این شیوه و شگرد مورد زورگیری، تهدید با سلاح سرد یا ضرب و شتم قرار گرفتند، دعوت می شود تا جهت شناسایی این گروه تبکار و پیگیری شکایات خود به نشانی پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ در سپیدخندان - خیابان ابوذر غفاری - جنب کلاتری ۱۲۰ سپیدخندان مراجعه کنند.

شهروند | نسخه های جادوگران برای مداوی زخم عمیق پیرزن ۷۰ساله قائمشهری، اعتراضات یک محله را به همراه داشت. بوی تعفن و مشتمن کننده که از خانه این پیرزن استشمام می شد، تیمی از ماموران امدادی را به خانه این زن کشاند. مدتی بود که بوی تعفن ساکنان محله مطهری قائمشهر را آزار می داد. وقتی همسایه ها منشأ این بو را جستجو کردند، متوجه شدند زن همسایه به خاطر زخم سرش مدت ها است که تحت درمان جادوگران قرار دارد. نسخه های این جادوگران هر روز زخم را بدتر می کرد، به همین خاطر ساکنان محله از اورژانس خواستند تا وارد عمل شوند. ساعت ۱۸ عصر روز یکشنبه ۱۶ اسفندماه بود که تماسی عجیب با مرکز ارتباطات اورژانس ۱۱۵ مازندران گرفته شد. وقتی اپراتور شرح حال یک بیمار ۷۰ساله را شنید، به سرعت تیمی از ماموران وارد عمل شدند. ماموریت بی سابقه ای بود. ماموران اورژانس وقتی به محل رسیدند، با جمعیتی از

بوی تعفن داروهای جادویی صدای یک محله را در آورد

ماموریت بی سابقه برای نجات پیرزن از نسخه های جادوگران

ساکنان در مقابل خانه بیمار رویه رو شدند که به سختی نفس می کشیدند. عملیات ویژه های بود ماموران با پوشیدن ماسک وارد ساختمان شدند. در خانه با پیرزنی ۷۰ساله رویه رو شدند که وضع وحشتناکی داشت. او از ناحیه سر زخمی شده بود. زخمی عمیق و منجر کننده. بوی وحشتناک که از خانه متصاعد می شد، به حدی بود که همسایه ها جرأت نمی کردند حتی نزدیکی ساختمان بروند. اشکیور مدیر روابط عمومی اورژانس مازندران، با عنوان این که ماموران اورژانس قائمشهر به محض حضور در خانه بیمار با بوی تعفن بسیار شدید و مشتمن کننده مواجه شدند، گفت: همکاران اورژانس دلیل بوی بد را عفونت شدید زخم ناحیه سر پیرزن دانستند. بررسی ها نشان می داد که این پیرزن از ناحیه سر زخمی شده بود اما همسر وی به جای این که او را به بیمارستان منتقل کند و وی تحت معاینات پزشکی قرار گیرد، با

سکانس های بازیگری دو سارق در خیابان های تهران

ذهن فعال برای ۱۸۰ سرقت ماهرانه

تازه داماد به همراه همدست ۱۸ساله اش پس از تمرین های خانگی سناریوی دزدی های سریالی گوشی های تلفن همراه را اجرا کرد



حدودا ۵۰ بار. از ۵ ماه پیش کارمان را آغاز کردیم و در این مدت حدود ۵۰ گوشی سرقت کردیم.

ولی شاکیان پرونده شما ۱۸۰ نفر هستند؟ ۱۸۰ نفر را قبول نداریم. من و افشین تنها ۵۰ گوشی سرقت کردیم.

شاکیان شما فقط زن هستند، چرا فقط از زنان سرقت می کردید؟ چون من و افشین هر دویمان جثه لاغری داشتیم و نمی توانستیم به سراغ مردان برویم. از زنان سرقت می کردیم تا راحت بتوانیم این کار را انجام دهیم.

همسرت هم در جریان سرقت هایت بود؟ نه همسرم اصلا نمی دانست که من بیکار شده ام. وقتی کار گاهمان ورشکست شد، به همسرم نگفتم بیکار شده ام و روزها به خانه افشین می رفتم. بعد از آن هم ماجرا را برایش تعریف نکردم. او پس از دستگیری متوجه این موضوع شد.

از اجرای دستگیری ات بگو؟ آن روز وقتی از یک زن سرقت کردیم، او فریاد زد و مردم را خبر کرد. ما هم بلافاصله با موتور زد و فرار گذاشتیم. ولی مردم هم به دنبال ما آمدند. در حال فرار بودیم که با یک خودروی پراید تصادف کردیم. بعد از آن من با پای پیاده فرار کردم؛ ولی افشین گرفتار مردم شد. بعد از آن هم ماموران کلاتری او را دستگیر کردند و با راهنمایی های او من هم دستگیر شدم.

اعتیاد داری؟ نه. من و افشین هیچکدام مسان حتی لب به سیگار هم نمی زنییم. مشکلات مالی باعث شد که دست به چنین کاری بزنیم. ما اصلا اهل خلاف نبودیم و برای رهایی از گرفتاری هایمان سرقت کردیم.

آن طرف هم چون تازه از دواج کرده بودم، مشکلات مالی زیادی داشتم و نمی دانستم باید چکار کنم. یک روز که با افشین دوستم در خانه نشسته بودیم و درد و دل می کردیم، پای تماشای یک فیلم اکشن نشستیم. بعد از آن فکری به ذهنمان رسید. هر دو با هم تصمیم گرفتیم که سرقت کنیم. آن فیلم تأثیر زیادی روی ما گذاشت و باعث شد برای پولدار شدن به دزدی فکر کنیم. همان جا نقشه سرقت را کشیدیم.

ماجرا تمرین های که پیش از سرقت انجام می دادید، چه بود؟ وقتی من و افشین تصمیم به دزدی گرفتیم، از آنجا که تا به حال دست به خلاف نزده بودیم و اصلا نمی دانستیم باید این کار را چگونه انجام دهیم، تصمیم گرفتیم در خانه تمرین کنیم. هیچ آشنای خلافکاری هم نداشتیم که راه و روش دزدی را به ما یاد بدهد. برای همین خودمان اول در خانه تمرین کردیم. مثلا افشین نقش مالباخته را بازی می کرد و من هم سارق می شدم. بعد از آن خیلی سریع گوشی تلفن همراهش را سرقت می کردم و مثلا سوار موتور می شدم و فرار می کردم. آن قدر این کار را تکرار کردیم تا حرفه ای شدیم. بدون تمرین می رسیدیم که دست به سرقت بزنیم.

فقط گوشی تلفن همراه سرقت می کردید؟ بله، چون راحت تر می توانستیم گوشی ها را به فروش برسانیم. پول خوبی هم گیرمان می آمد.

گوشی ها را به چه کسی می فروختید؟ به یک مالخر که از قبل او را می شناختم.

چقدر پول گیرتان آمد؟ دقیق نمی دانم. ولی از هر گوشی ۱۰۰ هزار تومان پول گیرمان می آمد.

چند بار سرقت کردید؟ چند بار سرقت کردید؟

سرقت را در پرونده خود ثبت کرده بودند که در نهایت در دام ماموران کلاتری ونک گرفتار شدند. این دو دزد ۲۳ و ۱۸ ساله صبح دیروز به شعبه اول بازپرسی دادسرای ویژه سرقت منتقل شدند و به سوالات قاضی نصرتی پاسخ دادند. تازه داماد این پرونده در گفت و گو با «شهروند» جزئیات ماجرای سرقت هایشان را تشریح کرد.

چند سال داری؟ ۲۳ سال.

از دواج کردی؟ ۶ ماه است که متاهل شده ام.

پس تازه دامادی؟ بله، ولی چه تازه دامادی. تازه دامادی که نه پول دارد و نه کار. همیشه باید هشتم گرو نیم باشد و زندگی هر روز برابم سخت تر شود.

شافل نبودی؟ اوایل که از دواج کرده بودم، کار داشتم. در یک کارگاه خیاطی کار می کردم و وضع مالی ام هم بد نبود. در آمد خیلی خوبی نداشتم اما در حد یک حقوق ماهیانه پول در می آوردم؛ ولی مدتی بعد کار گاهمان ورشکست شد و بعد از آن بیکار شدم.

چرا سر یک کار دیگری نرفتی؟ کار نبود. در این دوره و زمانه مگر می شود به راحتی سر کار رفت. من هم که به جز حرفه خودم کار دیگری بلد نبودم؛ برای همین هر چه به دنبال کار گشتم شغل بهتری پیدا نکردم.

تحصیلات نداری؟ تا مدرک کسبک درس خواندم و بعد از آن به خاطر مشکلات مالی ای که داشتم، سر کار رفتم و ترک تحصیل کردم.

بعد از بیکاری تصمیم به سرقت گرفتی؟ چند وقتی می شد که بیکار شده بودم. هر چه به دنبال کار می گشتم فایده ای نداشتم؛ از

شهروند | همه چیز درست از وقتی که تصمیم به سرقت گرفتند، آغاز شد. سعید تازه داماد بود و مشکلات مالی زیادی داشت. این مشکلات آن قدر زیاد شده بود که تصمیم گرفته بود هر طور شده از قسط و بدهی و بی پولی نجات پیدا کند. با دوستش فیلمی اکشن تماشا می کردند که ناگهان فکری خطرناک ذهنشان را مشغول کرد. می خواستند خطر کنند. خطری به اندازه اجرای یک نقشه حساب شده سرقت؛ نقشه باید دقیق برنامه ریزی می شد نه مثل بقیه سرقت ها. سعید و افشین می خواستند تمام جزئیات سرقت هایشان را مو به مو از قبل برنامه ریزی کنند. تحت تأثیر فیلم اکشنی که تماشا کردند، قرار گرفته بودند؛ اما آنها مثل بقیه بلافاصله به خیابان نرفتند تا نقشه سرقت هایشان را اجرا کنند. برای این که همه چیز حساب شده و دقیق باشد، تمرین هایشان را در خانه آغاز کردند. یکی در نقش مالباخته و دیگری سارق؛ نمایش سرقت های مختلف را سکانس به سکانس اجرا می کردند تا حرفه ای شوند. هر روز از صبح تا شب سعید و افشین بازیگران یک نمایش حرفه ای می شدند و آن قدر تمرین کردند تا بالاخره توانستند ضعف ها و کم و کاستی های خود را از بین ببرند. حالا دیگر وقتش رسیده بود؛ وقت آغاز دزدی ها؛ بار اولشان بود که دست به سرقت می زدند اما حرکشان اصلا ناشایانه نبود؛ انگار نه انگار که بار اول است به سراغ مردم می روند و نقشه یک سرقت را اجرا می کنند. همه ریزه کاری ها را بلدند؛ تمرین ها کار خودش را کرده بود؛ نه استرس داشتند و نه حرکت ناشایانه ای از آنها سر زد؛ بعد از آن تبدیل به دو دزد حرفه ای شدند. هدفشان گوشی های تلفن همراه مردم بود. سرقت می کردند و متواری می شدند. ۱۸۰

آزیر

سقوط اتوبوس کارگران پتروشیمی در عسلویه



شهروند | اتوبوس مخصوص جابه جایی کارگران پتروشیمی مخازن سبزر از ارتفاع ۱۰ متری سقوط کرد و ۳۶ مصدوم برج گذاشت. صبح دوشنبه در یکی از پتروشیمی های مستقر در پارس جنوبی، حادثه ای تلخ برای ۳۶ نفر از کارگران رقم خورد. گفتنی است ساعت ۷ صبح روز دوشنبه یکی از اتوبوس های فرسوده مخصوص جابه جایی کارگران پتروشیمی مخازن سبزر در عسلویه با ۳۶ نفر کارگر بر اثر نقص فنی در سیستم ترمز اتوبوس از ارتفاع ۱۰ متری در پتروشیمی انتخاب، سقوط کرد. براساس گزارش های ارسالی همه مسافران این اتوبوس که ۳۶ نفر بوده اند به شدت مجروح شدند که بلافاصله با استفاده از ۱۵ آمبولانس زخمی ها را به بیمارستان عسلویه منتقل کردند. معاون سیاسی - اجتماعی فرماندار عسلویه به اشاره به سقوط اتوبوس حامل کارگران در عسلویه که صبح دیروز اتفاق افتاد، گفت: ۳۶ مصدوم این حادثه به بیمارستان اعزام شدند. محسن بهادری با تأیید خبر سقوط اتوبوس در عسلویه اظهار داشت: اتوبوس حامل ۳۶ کارگر از کارگران یکی از شرکت های پیمانکاری در پارس جنوبی بوده است. وی افزود: براساس گزارش های رسیده، دلیل سقوط اتوبوس از ارتفاع ۶ متری، بریدگی ترمز اتوبوس بوده که راننده موفق به کنترل اتوبوس نشده است. معاون سیاسی - اجتماعی فرماندار عسلویه خاطر نشان کرد: بلافاصله پس از وقوع حادثه، اورژانس و فوریت های پزشکی به محل اعزام شدند و مصدومان را به بیمارستان اعزام کردند. بهادری تصریح کرد: هم اکنون عملیات درمانی روی مصدومان ادامه دارد و امیدوار هستیم همه مصدومان با سلامت مرخص شوند.

سوختگی ۸۰درصد نوجوس ۱۸ساله

باشگاه خبرنگاران دختر ۱۸ساله در آستانه عروسی اش بر اثر بی احتیاطی دچار سوختگی ۸۰درصد شد. عروس جوانی که هفته آینده قرار بود مراسم ازدواجش را برگزار کند، به علت سوختگی شدید راهی بیمارستان شد. این دختر ۱۸ساله سلواهی بعد از چیدمان وسایل جهیزیه و درحالی که شبیر گاز بخاری درست بسته نشده بود، هنگامی که قصد استراحت داشت، اقدام به خاموش کردن کلید برقی می کند که بلافاصله واحد مسکونی منفجر و دختر جوان دچار سوختگی ۸۰درصد شده و بیمارستان ولی عصر اراک منتقل می شود. درحال حاضر این دختر جوان در بخش سوختگی بیمارستان بستری و تحت درمان قرار دارد.

مامور پلیس نجات بخش جان یک بیمار

مامور پلیس، جان بیمار در راه مانده را نجات داد. یکی از شهروندان هنگام مسافرت با خودروی خود، به نقص فنی پیش آمده در سیستم خودرو، در کنار جاده متوقف می شود. همسر این شهروند به علت داشتن بیماری «ام ای» حالت نامساعد می شود و شدیدا به دارو نیاز پیدا می کند. در این هنگام یکی از ماموران پلیس که با یک موتورسیکلت درحال عبور از آن محل بود، با دیدن خودرو توقف و پس از جویاشدن ماجرا از راننده خودرو، اقدام به کمک به این دو شهروند می کند. این مامور فداکار ابتدا در هوای سرد با موتورسیکلت اقدام به تهیه داروی تنفسی از داروخانه برای همسر بیمار راننده این خودرو کرده و سپس در رفع نقص خودرو، وی را کمک می کند. این شهروند با بیسان اینکه نجات جان همسرش را مدیون فداکاری این پلیس وظیفه شناس است، از اقدام خدابندانه مامور فداکار تقدیر و تشکر کرد.

طرح اشتراک نیم بهاء

eshterak.ir

معاونت مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری شرکت پست و مجریان توزیع در بخش خصوصی با هدف گسترش فرهنگ مطالعه و حمایت از مطبوعات طرح تخفیف اشتراک تا سقف ۵۰ درصد را اجرا می کند.

تسهیلات برای اشتراک روزنامه ها و مجلات به ترتیب تا سقف ۵۰۰ و ۲۵۰۰ تومان به ازای هر نسخه

برای ثبت اشتراک کافی است به سایت eshterak.ir مراجعه نمایید.

افزایش قیمت نشریه در طول دوره اشتراک مشمول مشترکان قبلی نمی شود.